

محمد کاظم تقوی

نگاهی به کتاب کارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی - سیاسی

۹۲-۸۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگاهی به کتاب کارآمدی روش اجتهادی امام خمینی

در تولید اندیشه فقهی سیاسی

محمدکاظم تقوی

چکیده: غلامحسین مقیمی در کتاب "کارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی و سیاسی"، روش اجتهادی امام خمینی را از نظر تولید اندیشه فقهی سیاسی، مورد بررسی قرار داده است. کتاب مذکور در سه بخش و ۳۷۲ صفحه در زمستان ۱۳۹۵ توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به زیور طبع آراسته شده است. نویسنده در نوشتار حاضر به بیان محتوای کتاب و ذکر نکات و انتقاداتی پیرامون آن پرداخته است.

کلیدواژه: نقد کتاب، روش اجتهادی، امام خمینی، مکتب اجتهادی، اندیشه فقهی، اندیشه سیاسی، مکتب فکری، مکتب فقهی، کتاب "کارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی و سیاسی"، غلامحسین مقیمی.

Having a Look at the Effectiveness of Imam Khomeini's Ijtihadi Method in the Production of Political Jurisprudential Thought

By: Muhammad Kāzim Taqavi

Abstract: Gholāmhasan Moqīmi examined Imam Khomeini's ijthadi method in terms of the production of political jurisprudential thought in his book the Effectiveness of Imam Khomeini's Ijtihadi Method in the Production of Political Jurisprudential Thought. This book which is in three sections and has 372 pages was published by the Institute of Islamic Science and Culture in the winter of 1395. The author of the following article is going to talk about the content of the book and mentions some points and criticisms about it.

Key words: Book review, ijthadi method, Imam Khomeini, Ijtihadi School, jurisprudential thought, political thought, school, jurisprudential school, The Effectiveness of Imam Khomeini's Ijtihadi Method in the Production of Political Jurisprudential Thought, Gholāmhasan Moqīmi.

إطالة على كتاب كفاءة المنهج الاجتهادي للإمام الخميني في توليد الفكر الفقهي والسياسي

محمد كاظم تقوي

يبحث غلام حسن مقيمي في كتابه المعنون كارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی و سیاسی (= كفاءة المنهج الاجتهادي للإمام الخميني في توليد الفكر الفقهي والسياسي) في المنهج الاجتهادي للإمام الخميني من ناحية قابليته على إبداع الفكر الفقهي والسياسي.

والكتاب المذكور يقع في ۳۷۲ صفحة موزعة على أقسام الكتاب الثلاثة، وقد صدر في شتاء العام ۱۳۹۵ الهجري الشمسي عن أكاديمية العلوم والثقافة الإسلامية.

يستعرض الكاتب في مقاله هذا محتويات الكتاب المذكور مع التنبيه على بعض النقاط والملاحظات النقدية عليه.

المفردات الأساسية: نقد الكتاب، المنهج الاجتهادي، الإمام الخميني، المدرسة الاجتهادية، الفكر الفقهي، الفكر السياسي، المدرسة الفكرية، المدرسة الفقهية، كتاب كارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی و سیاسی (= كفاءة المنهج الاجتهادي للإمام الخميني في توليد الفكر الفقهي والسياسي)، غلام حسن مقيمي.

نگاهی به کتاب کارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی - سیاسی

محمد کاظم تقوی

کارآمدی روش اجتهادی امام
خمینی در تولید اندیشه فقهی -
سیاسی؛ غلامحسین مقیمی؛ قم:
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،
۱۳۹۵

کتاب «کارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی - سیاسی» به قلم محقق ارجمند آقای غلامحسین مقیمی، در زمستان ۱۳۹۵ توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی انتشار یافته است. کتاب در سه بخش و ۳۷۲ صفحه و در ضمن فصولی سامان یافته و پس از خاتمه که جمع بندی، نتیجه گیری، بیان نظریه مختار و پیشنهادها و راهکارها را در خود جای داده، کتاب نامه و نمایه قرار گرفته است.

پیش از پرداختن به محتوای کتاب یاد شده و ذکر نکاتی درباره آن، مقدمه واره ای تقدیم می گردد:

امام خمینی (س) جدای از جایگاه جهانی و رهبری انقلاب اسلامی و بنیان گذاری نظام جمهوری اسلامی، عالمی متضلع، عارفی عالی مقام و فقیهی اصولی و صاحب مکتب اجتهادی بوده است.

ایشان نه تنها از محضر درس فقهای بزرگ عصر خود، یعنی آیت الله حائری یزدی و آیت الله بروجردی (رضوان الله علیهما) بهره برد که قریب به نیم قرن کرسی تدریس فقه و اصول را در میان صدها تن از شاگردان فاضل و فهیم خود، در دو حوزه علمیه قم و نجف داشته و ده ها جلد آثار علمی استدلالی اصولی و فقهی و نیز آثار متعدد و متنوع فقه فتوایی، از خود بر جای گذاشته است.

یکی از ویژگی های برجسته که خود مؤلفه ای کلیدی و سرنوشت ساز در مکتب اجتهادی امام خمینی است، ویژگی پویایی و کارآمدی فقه است.

شدت اهتمام بر اصالت ها و بنیان ها و بنیادهای استوار مدرسه فقهی شیعه امامیه، مانع از آن نشد که ایشان تنها به تألیف اثر ماندگار «تحریر الوسیله» با بخش «مسائل مستحدثه» قناعت کند، بلکه حتی در سن کهن سالی کوشید تا در دهه پایانی عمر با فکر و اندیشه دقیق و جامع نگر خود، به تناسب نیازها و پرسش ها و چالش های فقهی جامعه اسلامی پس از انقلاب اسلامی و نیازهای نظام جمهوری اسلامی، مکتب فکری - فقهی خود را روزآمد و پاسخگو سازد و گامی به جلو بردارد.

حاصل مباحثه و مکاتبه فقهی امام خمینی، از یک سو با بعضی از مراجع و مجتهدین حوزه و نیز فقهای شورای نگهبان، مبانی جدید و محصولاتی تازه بوده که در مکتوبات سال های آخر عمر ایشان رخ نموده است.

فقه امام خمینی در عرصه های هنر، سیاست، اجتماع... آورده های تازه ای داشته و البته با ارزش تر از این محصولات، افق گسترده ای بود که آن فقیه زمان شناس و اسلام شناس بزرگ و دوران ساز، مقابل دید حوزه ها و فقها و فضلا گشود تا فقه را حاضر در سراسر زندگی فرد و اجتماع ببینند که از گهواره تا گور به معاش و معاد مکلفان جهت و حرکت می دهد.

البته باید درمندانانه اعتراف کرد که جز اندکی - و آن هم کم طنین و بی فروغ - حوزه های علمیه در جهت افق روشن آن فقیه فرزانه حرکت نکرده اند و از زندگی انسان امروز با موضوعات و مناسباتی که برایش وجود

دارد گرهی نگشوده اند!

افق‌هایی که ایشان در مکتوب معروف به منشور برادری مطرح کرده‌اند یا مسائل و موضوعاتی که در مکاتبات ایشان با فقها و مجتهدین حوزه و نیز اعضای شورای نگهبان و رئیس جمهور وقت مطرح کرده یا در منشور روحانیت بیان و تأکید نموده‌اند، اگر پی گرفته می‌شد، فقه مکتب اهل بیت امروز و پس از تحول بزرگ انقلاب اسلامی، جلوه و جلای جدیدی می‌داشت!

«تأثیر زمان و مکان در اجتهاد» افق گشوده‌ای بود که اگر در آن مسیر، حرکت علمی و کارهای تحقیقاتی انجام می‌شد، در بسیاری از میراث فقهی ناظر به فضای سنت و مناسبات زندگی سنتی، بازاندیشی می‌شد و با حفظ مبانی و براساس منابع معتبر و شناخته شده احکام شرعی، نتایج و محصولات جدید و روزآمد و راهگشایی فرادید قرار می‌داد و گره‌هایی گشوده می‌شد و فقه در متن زندگی امروز و فردای مکلفان قرار می‌گرفت.

تألیف آقای مقیمی کار علمی ارزشمندی است که روش اجتهادی امام خمینی را از نظر تولید اندیشه فقهی - سیاسی پژوهیده است. گرچه مطالعه و بررسی تفصیلی این اثر فرصت و مجال واسعی می‌طلبد، اما چند نکته به اختصار یادآور می‌گردد:

۱. گرچه هدف پژوهش نویسنده بیان «کارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی - سیاسی» بوده، ولی خواننده چنین برداشت می‌کند که روش اجتهادی امام خمینی تنها در تولید اندیشه فقهی - سیاسی، یعنی در بخش فقه سیاسی کارآمدی دارد!

و حال آنکه مبانی اجتهادی امام خمینی و نوآوری‌هایی که به ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی داشته، پویایی و کارآمدی پرجاذبه‌ای به فقه در همه ابعاد آن داده است؛ یعنی اگر امام خمینی در منشور روحانیت می‌گوید:

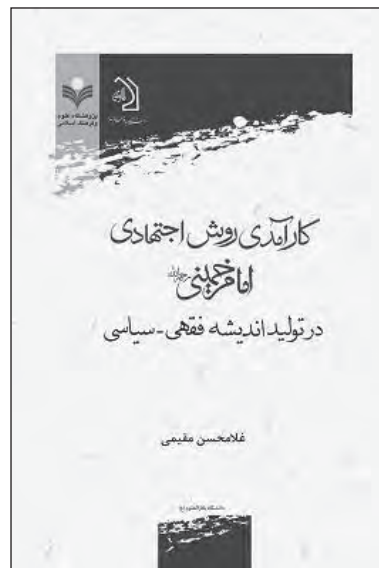
اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان احاطه داشته باشد.^۱

یا گستره فقه را این‌گونه ترسیم می‌کند که:

فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.^۲

و یا می‌گوید:

هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم.^۳



۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۲. همان.

۳. همان.

شدت اهتمام بر اصالت‌ها و بنیان‌ها و بنیادهای استوار مدرسه فقهی شیعه امامیه، مانع از آن نشد که ایشان تنها به تألیف اثر ماندگار «تحریر الوسيله» با بخش «مسائل مستحدثه» قناعت کند، بلکه حتی در سن کهن سالی کوشید تا در دهه پایانی عمر با فکر و اندیشه دقیق و جامع‌نگر خود، به تناسب نیازها و پرسش‌ها و چالش‌های فقهی جامعه اسلامی پسا انقلاب اسلامی و نیازهای نظام جمهوری اسلامی، مکتب فکری - فقهی خود را روزآمد و پاسخگو سازد و گامی به جلو بردارد.

مؤلف محقق این اثر توجه دارند که مصداق و موردی که در آن سال‌ها بسیار مشهور شده بود، مسئله «بازی با شطرنج» بود که از امام پرسیده شد که دیگر وسیله قمار نیست و وسیله ورزش فکری شده است؟ امام هم در جواب فتوا دادند در فرض سؤال، بازی با آن بلاشکال است؛ بسمه تعالی، بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد.^۴

غرض اینکه روش اجتهادی امام خمینی و مبانی و نوآوری‌های ایشان در سراسر فقه، از طهارت تا دیات، آثار خاص خود را دارد و از جمله آن فقه سیاسی و عرصه چگونگی اداره جامعه است. به نظر می‌رسد برای جلوگیری از توهم محدودیت تأثیر روش‌های اجتهادی امام در تولید اندیشه فقهی - سیاسی، لازم بود محقق محترم در فصول اولیه، مبانی و روش اجتهادی امام را از کتاب‌های تخصصی ایشان - الاجتهاد والتقلید - استخراج و عرضه می‌کرد و پس از آن به نظریات و مبانی جدید و نوآورانه ایشان که در سال‌های آخر عمر خود بیان کردند می‌پرداخت؛ یعنی به قاعده و اصل بسیار مهم تأثیر زمان و مکان در اجتهاد و اینکه تبدل بیرونی موضوعات سبب تغییر احکام می‌شود می‌پرداخت.

۲. محقق ارجمند در فصل دوم از بخش سوم کتاب، مدعی این معنا شده که امام خمینی در اندیشه فقهی - سیاسی خود به تعارض نمای مشروعیت و مقبولیت پاسخ داده است. ایشان بیش از پنجاه صفحه از پژوهش خود را به این مبحث اختصاص داده و بر روی دوگانه مشروعیت / مقبولیت تمرکز کرده است.

این در حالی است که وقتی به آثار علمی امام خمینی در این موضوع مراجعه کنیم، چنین ادبیاتی را نمی‌بینیم، بلکه آنچه از نظرات صریح و فتاوی روشن ایشان موجود است این نتیجه را می‌دهد که مشروعیت در اندیشه امام خمینی «مرکب» است؛ با این توضیح که ایشان «ولایت» را الهی می‌داند، ولی «تولی» را مردمی می‌بیند. وقتی نمایندگانشان در دبیرخانه ائمه جمعه سراسر کشور از ایشان استفتاء می‌کنند که: «در چه صورت فقیه جامع‌الشرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد؟» در پاسخ فتوا دادند:

ولایت در جمیع صور دارد. لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شد به بیعت با ولی مسلمین.^۵

اساساً ادبیات تفکیک میان مشروعیت و مقبولیت در آثار امام وجود ندارد و این تعابیر و واژگان به دهه هفتاد شمسی مربوط می‌شود که در مناقشات فکری - سیاسی تولید و توسعه پیدا کرد.

نه تنها چنین دیدگاه و تبیینی در اندیشه امام جای ندارد که ایشان با صراحت بیان کردند که:

میزان رأی ملت است ... مرتبه اول حق مال خود ملت است ... همین ملت، همین مردم محروم دانشگاه ... همین جوان‌های محروم مدرسه فیضیه ... اینها باید رأی بدهند.^۶

چراکه ایشان معتقد بود:

از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد.^۷

امام حق تعیین سرنوشت ملت را هم مسئله‌ای عقلی می‌دانست و هم سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) که باید سرمشق ما باشد:

۴. استفتائات امام خمینی، ج ۵، ص ۵۴۶.

۵. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۹.

۶. همان، ج ۸، ص ۱۷۳.

۷. همان، ج ۴، ص ۳۶۷.

باید اختیار دست مردم باشد. این یک مسئله عقلی [است]، هر عاقلی این مطلب را قبول دارد که مقدرات هرکسی باید دست خودش باشد... رئیس جمهور معنایش این است که مقدرات دست خود مردم است... ما حکومت اسلامی می‌خواهیم، یک جمهوری اسلامی که به آرای مردم رجوع می‌کنیم و شرایط را هم می‌گوییم، این شرایط در اسلام هست، هر کس را می‌خواهید تعیین کنید.^۸

و در سخن دیگری می‌گوید:

حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم (ع) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد شد.^۹

از نگاه امام خمینی «اصل آزادی مسلمین در رأی به حاکم و تعیین سرنوشت خود» اصلی بود که با روی کار آمدن رضاخان پایمال شد، چنان‌که اصل «لزوم عدالت در حاکم اسلامی» و اصل «استقلال کشور اسلامی از دخالت اجانب و تسلط آنها بر مقدرات مسلمین» نیز پایمال گردید.^{۱۰}

امام خمینی در آخرین اظهار نظر کتبی خود در این موضوع در حدود یک ماه پیش از ارتحالشان مرقوم داشتند:

اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است.^{۱۱}

با این توضیحات و مستندات سزاوار است دقت شود تا تبیین و تفسیر نظریه امام، به تحریف و تخریب افکار و شخصیت ایشان منجر نشود!

۳. از نظر ارجاعات به آثار امام، ناهماهنگی در ارجاع به صحیفه امام در این کتاب مشاهده می‌شود؛ یعنی در صفحاتی به درستی ارجاع به صحیفه امام انجام گرفته، ولی در صفحات متعددی هم محقق آدرس نظرات امام خمینی را «صحیفه نور» ذکر کرده است. این در حالی است که پس از انتشار صحیفه امام، صحیفه نور از اعتبار و رسمیت افتاده است و در واقع صحیفه امام ویراست جدید و ناسخ صحیفه نور است که در ارجاع به نظرات امام باید به آخرین تدوین ارجاع شود؛ رویه‌ای که در مجموعه منشورات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به صورت الزامی و صد در صد رعایت می‌شود.

امید است در ویراست دوم این کتاب اشکالات یادشده اصلاح و اثر کامل تری به جامعه علمی کشور عرضه گردد.

کتاب المثل السائر نمونه خوبی از برای نقد ادبی و بلاغت و بیان است و اگر به طور مستقل از مباحث انتقادی به آن نگریسته شود، یکی از مفیدترین کتاب‌ها در حوزه بلاغت و بیان به شمار می‌رود و می‌توان گفت نمونه خوبی برای کتاب‌های تألیف شده در زمینه انشاء دیوانی و بدیع، در عصری است که روش قاضی فاضل در انشاء و کتابت بر بقیه برتری داشته و سبک انشاء و ترسل نیز به تدریج در حال تغییر به سبک تألیف بوده که نمونه بارز آن کتاب الفتح القدسی فی الفتح اصفهانی است

۸. همان، ج ۴، ص ۲۹۶.

۹. همان، ص ۳۳۶.

۱۰. همان، ج ۵، ص ۲۳۶.

۱۱. همان، ج ۲۱، ص ۳۷۱.